



سرمقاله

بی تردید صدرالمتألهین حق بزرگی بر عالم اندیشه و حکمت اسلامی دارد. برای قدردانی از این اندیشمند بزرگ، زیست‌نامه اجمالی وی در شماره پیش تبیین شد. اکنون به نوآوری‌های علمی او اشاره می‌شود.^۱ شخصیت منحصر به فرد ملاصدرا دستاورد چند ویژگی اساسی است:

۱. دستیابی به شهودهای قلبی؛
۲. تعمق بسیار و فهم موشکافانه فلسفی؛
۳. دامنه گسترده اطلاعات کلامی، فلسفی، عرفانی، حدیثی و تفسیری؛
۴. تلاش پی‌گیر و پرکاری علمی؛
۵. روحیه شجاعت و نوآوری در علم.

ملاصدرا به کمک ویژگی‌های مزبور به نوآوری‌هایی در جنبه روش و محتوا دست یافت و «حکمت متعالیه» را بر آن اساس بنیان نهاد. ملاصدرا چه در بعد علمی و چه از جهت اخلاقی در فلسفه غرب همانندی ندارد. پرفسور هانری گُربن می‌گوید: «اگر بتوان یاکوب بوهمه و سوئین‌برگ را پیوند داد و بر توماس آکویناس افزود، ملاصدرا خواهد شد». اما این ستایش نیز تنها به جنبه علمی او اشاره دارد و ملاصدرا را می‌توان اجتماع محیی‌الدین و ابن‌سینا در فلسفه اسلامی، و افلاطون و ارسطو در فلسفه یونان دانست.

۱. اطلاعات زیست‌نامه از پایگاه‌های استنادی ذیل گرفته شده است: پایگاه اطلاع رسانی «بنیاد حکمت اسلامی صدرا»؛ وبگاه دیجیتال «دانشنامه اسلامی»؛ وبگاه دیجیتال «ویکی شیعه»؛ وبگاه دیجیتال «ویکی نور». برای تحقیق بیشتر درباره زندگی‌نامه، مکتب فکری و آرای علمی ملاصدرا ر.ک: جلال‌الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا؛ رضا اکبریان، حکمت متعالیه و تفکر فلسفی معاصر؛ سیدمحمد خامنه‌ای، حکمت متعالیه و ملاصدرا؛ همو، ملاصدرا؛ زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ محمد خواجوی، لوامع العارفین فی احوال صدرالمتألهین، پژوهشی پیرامون احوال و افکار و آثار و آرای ملاصدرا؛ محمدتقی زمانیان، سیری در افکار ملاصدرا؛ هانری گربن و جمعی از خاورشناسان، صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا یا صدرالمتألهین: فیلسوف و متفکر اسلامی و...

نوآوری او در ساحت روش، برقراری گونه‌ای وحدت بین شیوه‌های کسب معرفت است.^۱ بیشتر اندیشمندان پیش از او یا روش‌های سه‌گانه کسب معرفت (عقل، شهود و دین) را در عرض و مغایر یکدیگر می‌پنداشتند، یا رابطه طولی را می‌پذیرفتند، ولی در عمل از پیوند معارف به دست آمده از این روش‌ها ناتوان بودند. اما حکمت متعالیه استدلال عقلی، شهود قلبی و متون دینی را در طول یکدیگر می‌داند؛ به گونه‌ای که تفاوت در روش کسب معرفت، حقیقت واحد خارجی و محتوای به دست آمده از آن را دگرگون نمی‌سازد؛ بلکه تنها شدت باور به محتوای واحد را تعیین می‌کند. از باب نمونه باور به خدا اگر از روی تعبد به متون دینی باشد، تقلید، و اگر به مدد برهان‌های عقلی باشد، تحقیق، و اگر به واسطه شهودهای قلبی باشد، تحقق نامیده می‌شود. تقلید، تحقیق و تحقق، سه گونه باور به وجود خداوند است که هریک از دیگری شدیدتر است. بنابراین تفاوت روشی، تفاوتی در اصل معرفت به دنبال ندارد و تنها شدت باور به آن را متفاوت می‌کند.

ملاصدرا بر این اساس، با بازبینی بسیاری از پرسش‌های مورد مناقشه بین متکلمان، فیلسوفان و عارفان، اصل نزاع را برداشت و یگانگی معرفت‌های به دست آمده را به نمایش گذاشت. این مبانی روشی به او اجازه می‌داد تا بیشتر دیدگاه‌های پراکنده را در ضمن دیدگاه حق، به گونه‌ای مندرج سازد. او همچنین بر اساس مبانی روشی خود، تفسیر متون دینی را نیز متحول کرد و با تمرکز بر باطن عرفانی دین به تفسیر گزاره‌های دینی پرداخت. او مفاد براهین عقلی و مشاهدات قلبی را در تفسیر متون دینی به یاری جست و پیوند روشی یادشده را در این ساحت نیز به نمایش گذاشت.^۲ این نگاه نو، دستاورد مبانی تازه‌ای است که ملاصدرا در ساحت‌های گوناگونی چون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی اختیار کرده بود.

برخی حکمت متعالیه را روشی التقاطی و بدون نوآوری می‌شمارند که تنها دیدگاه‌های گوناگون را گرد می‌آورد. این خوانش نادرست، نتیجه بی‌توجهی به مبانی و اصول روشی ملاصدراست. حق این است که مبانی روشی او به اندازه‌ای موشوکافانه و فراگیر است که دیدگاه‌های کلامی، مشائی و اشراقی را در خود هضم کرده و مکتب جدیدی ارائه داده است که در آن هر سخن

۱. ملاصدرا، اسفار، ج ۸، ص ۳۰۳: «فلنذكر أدلة سمعية لهذا المطلب حتى يعلم أن الشرع والعقل متطابقان في هذه المسألة كما في سائر الحكميات وحاشي الشريعة الحق الإلهية البيضاء أن تكون أحكامها مصادمة للمعارف اليقينية الضرورية وتبا لفلسفة تكون قوانينها غير مطابقة للكتاب والسنة».

۲. این رویکرد در تفسیر القرآن الکریم و شرح اصول الکافی به زیبایی تبلور یافته است.

جای حقیقی خود را پیدا می‌کند. هضم سخنان گوناگون و ارائه آنها در ضمن نظامی برتر و فراگیر، تأسیس مکتبی جدید است، نه التقاط مکتب‌های پیشین.

افزون بر روش، صدرالمتالهین در جنبه محتوا نیز نوآوری‌های فراوان و تازه‌ای داشت که بررسی تفصیلی آنها پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد. او ستون حکمت متعالیه را بر وجود بنا نهاد و فلسفه را از دام اصالت ماهیت مرتکز در اذهان، آزاد نمود. حقیقت وجود در نگاه میانی صدرا مشکک است؛ یعنی کثرت و وحدت در متن وجود خارجی محقق می‌شود. اما نگاه نهایی او وجود را واحد شخصی و در انحصار خداوند می‌داند. بنابراین آنچه در متن وجود محقق می‌شود، تنها وحدت است، و جایگاه کثرت، ظهور و تعین وجود است، نه خود آن. صدرا علیت را به تشان باز گرداند و با این شیوه، زمینه اثبات عقلانی وحدت وجود را فراهم ساخت.

قاعده «بسیط الحقیقه» که یادگار فلوطین اسکندرانی است، در حکمت متعالیه بازتعریف و مبرهن شد. ملاصدرا دو تفسیر از این قاعده به دست داد که یکی ویژه برترین مرتبه نظام تشکیکی است و علم تفصیلی پیشین الهی را اثبات می‌کند.^۱ اما تفسیر دوم که دقیق‌تر و پیچیده‌تر است، درباره حقیقت محض و صرف وجود مطرح می‌شود و عدم تناهی و وحدت شخصی حق تعالی را اثبات می‌کند.^۲

نوآوری‌های محتوایی دیگر او مانند حرکت جوهری، اتحاد عاقل به معقول، امکان فقری، برهان صدیقین و سخنان شگرفی که درباره نفس دارد، هریک به تنهایی دریچه تازه‌ای از معارف را به روی اندیشمندان گشوده است. اکنون با گذشت چهارصد سال، مکتب او هنوز بر عالم فلسفه حاکم است و بزرگانی چون حکیم سبزواری و علامه طباطبایی در ذیل این مکتب به شرح، تبیین و بسط اندیشه‌های او در ساحت‌های گوناگون علمی پرداخته‌اند. البته در فضای درونی حکمت متعالیه گاه انتقادهای و تکمیل‌هایی مطرح می‌شود؛ اما اساس این بنیان همچنان برجاست و تاکنون مکتب و نظام فلسفی جدیدی توان رویارویی با آن را نداشته است.

روح‌الله سوری

۱. ر.ک: سوری، «علم تفصیلی پیشین و قاعده بسیط الحقیقه»، خردنامه صدرا، شماره ۸۱، ص ۷۵ - ۹۲.

۲. ر.ک: سوری و گرجیان، «وجود نامحدود خدا بر مبنای قاعده بسیط الحقیقه (چالش‌ها و پاسخ‌ها)»، قسبات، شماره ۸۵، ص ۲۵-۶۴.